

## ناموزونی‌های مشارکت زنان در آموزش عالی

محمد امین قانعی راد\* اکرم قدیمی\*\*

دریافت 1387/2/17 پذیرش 1387/6/18

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی ناموزونی‌های موجود در شاخصهای حضور زنان در آموزش عالی ایران است و در راستای دستیابی به هدف فوق تمایز دانشجویان دختر و پسر در انتخاب رشته تحصیلی، تفاوت‌های حضور دانشجویان دختر در سطوح مختلف تحصیلی، چگونگی میزان مشارکت زنان در ترکیب اعضای هیئت علمی، سهم زنان دانشجو و پژوهشگر از جوایز علمی و مشارکت زنان دانشگاهی در مدیریت نهادهای علمی بررسی می‌شود.

این پژوهش برای بررسی موضوعات مزبور به تحلیل اطلاعات موجود می‌پردازد و در پاره‌ای موارد نیز از طریق بررسیهای اسنادی به‌خصوص بررسی گزارشهای سالیانه آموزش عالی، اطلاعات تازه‌ای را تولید و ارائه می‌کند. داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش شاخص حضور زنان در آموزش عالی با میزان مشارکت آنان در کلیه عرصه‌های علمی از جمله حضور در هیئت‌های علمی، عضویت در هیئت تحریریه مجلات علمی، عضویت در هیئت مدیره انجمنهای علمی و کسب جوایز علمی توازن ندارد. بخش پایانی پژوهش با جمع‌بندی یافته‌های تحقیق تلاش دارد تا با استمداد از نظریه سقف شیشه‌ای به یک تحلیل نظری از وضعیت مشارکت کمی و کیفی زنان در آموزش عالی دست پیدا کند.

**کلید واژه‌ها:** آموزش عالی، مشارکت زنان، مدیریت نهادهای علمی، جوایز علمی، ناموزونی‌های حضور زنان، نظریه سقف شیشه‌ای.

### مقدمه

پژوهشهای موجود از ورود روزافزون دختران به دانشگاهها و افزایش مشارکت کمی زنان در آموزش عالی به‌ویژه در دهه اخیر حکایت می‌کند (خمسه، 1379؛ حقیقی و اکبری، 1384؛ صابر و دیگران، 1374؛ ایرجی زاد، 1379؛ صالحی، 1380؛ کاظمی‌پور، 1380؛ بوذری، 1380؛ ودادهیر، 1381؛ ایمانی و مردیها، 1381؛ فراستخواه، 1383؛ گائینی 1385).

به دلایل فرهنگی و اجتماعی، زنان دیرتر از مردان در عرصه‌های دانشگاهی ظاهر شدند، اما اکنون روند مشارکت فزاینده‌ای در آموزش عالی نشان می‌دهد که نه تنها از ویژگی کمی برخوردار است بلکه برخی از شاخصهای کیفیت را نیز همراه دارد. افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی و به‌طور خاص فزونی میزان

پذیرفته‌شدگان و دانشجویان زن یکی از تحولات اساسی در حوزه آموزش عالی ایران در سالهای اخیر می‌باشد. این تحول را می‌توان به مثابه نشانگر برخی دیگر از دگرگونیهای اجتماعی این سالها تلقی کرد. گسترش طرح مسائل زنان در رسانه‌ها، افزایش توجه به آموزش زنان و مشارکت یافتن آنان در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، پاره‌ای دیگر از این تحولات موازی می‌باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که برخی از مشکلات و موانع، انگیزش پسران به تحصیلات دانشگاهی را کاهش داده است؛ به طوری که عنوان می‌شود جذب مردان به خدمت سربازی و بازار کار، میدان ورود به دانشگاه را برای زنان گسترش داده است. زنان با وجود ممانعتها و محدودیتهای آشکار و پنهان اجتماعی با تلاشی شاید بیشتر از مردان توانسته‌اند در عرصه ورود به دانشگاهها موفقیت‌های زیادی را به دست آورند. با این حال، هنوز فاصله قابل توجهی در میزان مشارکت کمی و کیفی زنان و مردان وجود دارد که برخی آن را با مقوله تفاوت‌های جنسیتی و برخی دیگر با عامل موانع اجتماعی و فرهنگی و تازگی حضور زنان در عرصه‌های آموزشی و دانشگاهی تبیین می‌کنند و امیدوارند که با ادامه روند موجود، این‌گونه فاصله‌ها در آینده‌ای نه چندان دور بیش از پیش کاهش پیدا کند.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که مشارکت زنان در آموزش عالی با ناموزونی‌هایی همراه است؛ به عبارتی افزایش کمی همراه با ارتقای کیفی نبوده است. برخی از این مطالعات ناموزونی را با توجه به وضعیت مشارکت زنان در رشته‌های دانشگاهی، گروه‌های عمده تحصیلی و در مقاطع تحصیلی گوناگون نشان داده‌اند (ایرجی زاد، 1374؛ محمدی، 1374؛ هالک، 1374؛ غیائی، 1379؛ صالحی، 1380؛ کاظمی‌پور، 1380؛ بوذری، 1380؛ ایمانی و مردیها، 1381؛ فراستخواه، 1383؛ ایران محبوب و طاهریان فرد، 1384). برخی دیگر از پژوهشهای مزبور ناموزونی‌های مشارکت زنان در هیئت‌های علمی و پژوهشی را نشان می‌دهد (ایرجی‌زاد، 1379؛ و دادهیر 1381؛ زاهدی، 1381؛ حسینی لرگانی، 1386؛ جانعلیزاده، 1386). بعضی از محققان نیز ناموزونی‌های موجود در توزیع جنسیتی پست‌های مدیریتی در دانشگاهها را بررسی کرده‌اند (محمدی، 1374؛ جدی زنجانی و صابر، 1374؛ احمدی، 1376؛ عبداللهی، 1381؛ اسفیدانی، 1381؛ فراستخواه، 1383؛ بابایی، 1385؛ حسینی لرگانی، 1386).

هدف این پژوهش بررسی ناموزونی‌های مشارکت زنان در آموزش عالی، با توجه به جدیدترین آمارهای موجود و همچنین توجه به برخی از شاخص‌های جدید و دیگر قلمروهای مشارکت زنان در آموزش عالی است که پیش از این مورد توجه قرار نگرفته است. علاوه بر موارد مورد اشاره، این پژوهش به بررسی سهم زنان در جشنواره جوان خوارزمی، پژوهشگران برگزیده، هیئت مدیره انجمنهای علمی و هیئت تحریریه مجلات علمی می‌پردازد.

برای تحقق این هدف، پاسخگویی به برخی از سؤالا و از جمله سؤالهای زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

- بین شاخص حضور دختران دانشجو در دانشگاهها و سایر شاخصهای مشارکت زنان در آموزش عالی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

- تمایز دانشجویان دختر در انتخاب رشته‌های علمی با پسران چگونه است؟

- حضور دانشجویان دختر در سطوح مختلف تحصیلی چه تفاوتی با همدیگر دارد؟
  - میزان مشارکت زنان در ترکیب اعضای هیئت علمی به طور کلی و در مراتب گوناگون علمی چگونه است؟
  - سهم زنان دانشجو و پژوهشگر از جوایز علمی چگونه است؟
  - سهم زنان دانشگاهی در مدیریت نهادهای علمی چگونه است؟
- برای پاسخگویی به این سؤاها در پاره‌ای موارد به تحلیل اطلاعات موجود پرداخته می‌شود و در پاره‌ای موارد نیز با توجه به بررسیهای اسنادی، اطلاعات تازه‌ای تولید و ارائه می‌شود.

### چارچوب نظری

برای توضیح ناموزونی مشارکت زنان در آموزش عالی می‌توان از نظریه "سقف شیشه‌ای" استفاده کرد. این نظریه اولین بار برای تبیین ناموزونی‌های مشارکت زنان در سطوح مدیریتی به کار رفت. سقف شیشه‌ای نماد انواع موانعی است که مانع پیشرفت افراد و ارتقای شغلی آنها می‌شود. این اصطلاح بیانگر نگرشها و تعصبهای منفی است که مانع مشارکت کیفی و کمی زنان و اقلیتها است.

این نظریه توضیح می‌دهد که «زنان در محیط خانواده و کار با مسائل و مشکلاتی روبرو هستند. این محدودیتها غیرقابل رؤیت ولی واقعی در حیطه عمومی زندگی و شاید حوزه خصوصی خانواده که زنان با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند» (آزاده 1384).

پدیده "عدم توفیق زنان در دستیابی به سطوح عالی مدیریت" را اصطلاحاً "سقف شیشه‌ای" گویند. این اصطلاح اولین بار در سال 1986، به وسیله مجله وال استریت به کار رفت (Weyer, 2007). همچنین موریسون و همکارانش از اولین کسانی بودند که در سال 1987 از این اصطلاح استفاده کردند (Mauthur-Helm, 2006). این اصطلاح در سال 1990 برای اشاره به تعداد اندک زنان و اقلیتها در اداره سازمانهای بخش دولتی و خصوصی به کار رفت (Mauthur-Helm, 2006).

سقف شیشه‌ای بیان می‌کند که زنان و اقلیتها در دستیابی به سطوح بالای سلسله مراتب شکست می‌خورند. آنان به پستهای عالی در سازمان نزدیک می‌شوند، اما به ندرت آن را به چنگ می‌آورند. این سرخوردگی باعث می‌شود که تصور کنند یک سقف شیشه‌ای وجود دارد (Maume, 2004).

«اگر چه در سالهای اخیر زنان بیشتری در بازار کار حضور پیدا کرده‌اند و از نظر کمی افزایش پیدا کرده‌اند، اما از لحاظ کیفی و ارتقا به سطوح مدیریت، نابرابریهایی دیده می‌شود و زنان سهم اندکی در انتخاب شدن برای مقامات عالی‌رتبه مدیریتی و سیاسی داشته‌اند. همچنین برای زنان، دستیابی به تحصیلات مساوی، پاداش و درآمد برابر را تضمین نمی‌کند؛ به طوری که بدون توجه به مدرک و آمادگی افراد، بی‌عدالتی مشاهده می‌شود. امروزه این عدم ارتقا و پیشرفت را به علت وجود سقف شیشه‌ای می‌دانند» (عبداللهی 1381).

« پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه محدودیت پیشرفت زنان در مدیریت بر دو حوزه اساسی تأکید کرده‌اند. رویکرد اول، یعنی رویکرد درونی، متغیرهای درونی خود زنان را بررسی می‌کند و به عوامل روانشناسی اجتماعی فردمدار یا جنسیت‌مدار نیز مشهور است. رویکرد دوم که رویکرد بیرونی است شامل آن دسته از متغیرهایی می‌شود که نسبت به فرد خارجی‌اند. نظیر عوامل ساختاری و جایگاهی. فقط با ادغام متغیرهای درونی و بیرونی می‌توان عدم پیشرفت زنان در مدیریت را کاملاً دریافت. فاگنسون (1990) در یک رویکرد تعاملی یا نظام جنسیت-سازمان، اظهار داشت که " رفتار زنان و پیشرفت شغلی محدود آنها در سازمانها چه بسا ناشی از جنسیت، بافت سازمان و یا در مقیاس گسترده‌تر، نظام اجتماعی و مؤسسه‌ای است که در آن کار می‌کنند » (همان: 33-35).

برخی از مدلها درصد هستند تا رفتارهای مبتنی بر جنسیت را که در سازمان موجب سقف شیشه‌ای می‌شوند، توضیح دهند. این مدلها به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: مدل‌های زیستی، مدل‌های اجتماعی و مدل‌های ساختاری-فرهنگی.

مدل‌های زیستی یا بیولوژیکی بیان می‌کنند که تفاوت‌های ثابتی بین زن و مرد وجود دارد که مبتنی بر الگوهای ژنتیکی بوده و از حالت‌های روانی متفاوت در طی زمان تکمیل شده و ظاهر می‌شود. امروزه این مدلها کاربرد چندانی برای توضیح این پدیده ندارند (Weyer, 2007).

مدل‌های اجتماعی و مدل‌های فرهنگی - ساختاری توجه زیادی به خود جلب کرده‌اند و به عنوان توضیحات قابل قبول برای تفاوت‌های جنسیتی در سازمانها شناخته شده‌اند. هر دو دسته مدل معتقدند که تفاوت‌های زیستی در فرهنگ‌های مختلف معنای یکسانی ندارند بلکه این انتظارات اجتماعی است که نابرابری بین جنسیتها را ایجاد کرده و دامن می‌زند. تئوریهای اجتماعی بیان می‌کنند که نابرابریهای جنسیتی از طریق فرایندهای مختلف در طی زندگی، مثل مدرسه رفتن و محیط کار کسب می‌شوند، بنابر این مبتنی بر جامعه‌پذیری فرد هستند (Weyer, 2007).

مدل‌های فرهنگی - ساختاری بیان می‌کنند که ساختارها، سیستمها و ترتیبات اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی را تعریف می‌کنند تا اختلاف در موقعیت و قدرت را ایجاد کنند و تقریباً برحسب توزیع قدرت میان زنان و مردان الگوهای ثابت رفتار به وجود می‌آید (Weyer, 2007).

از آنجا که سقف شیشه‌ای پدیده‌ای پیچیده‌ای است، عوامل ایجادکننده آن نیز که تحت عنوان موانع ارتقا، از آن یاد می‌شود، نیز متعدد و پیچیده‌اند و تنها به وضعیت استخدامی زنان در سازمانها مربوط نبوده بلکه تا موقعیت زنان در جامعه نیز امتداد می‌یابند (Veale & Gold, 1998). دسته‌بندیهای انجام شده در مورد عوامل ایجادکننده آن به این نکته اذعان دارند.

در یک بررسی علل و عوامل این نابرابری عبارتند از :

1- تفاوت‌های جنسی در ویژگیهای سرمایه انسانی

2- تفکیک مشاغل؛ به این معنی که حضور زنان در برخی مشاغل یا سازمانها متراکمتر است، به طور مثال در وزارت آموزش و پرورش یا شغل پرستاری

3- تبعیض (Mitra,2003).

دسته‌بندی دیگر که در سال 2000 به‌وسیله اوکلی انجام شده، به شرح زیر است:

1- علل مرتبط با اقدامات سازمان مثل استخدام، نگهداری و ارتقا

2- علل رفتاری و فرهنگی مثل کلیشه‌ها و سبک رهبری

3- علل فرهنگی - ساختاری که در نظریه فمینیستی ریشه دارد (Weyer,2007).

هر چند برخی معتقدند که موانع دستیابی زنان به مقامات عالی به طور عمده غیرعمدی است. (Weyer,2007) و پاره‌ای نیز معتقدند این موانع می‌توانند ادراکی باشند (Veale&Gold,1998) اما عمده پژوهشها نشان می‌دهد که حتی با فرض ثابت بودن تحصیلات، تجربه و تخصص، احتمال اینکه زنان به پستهای سرپرستی و مدیریت برسند، بسیار ضعیف است. (Mitra,2003) نبود مشاوره در مسیر کارراه، تضاد بین زندگی شخصی و کار، نبود امکان پیشرفت مدیریتی برای زنان، از دلایل عمده عدم ارتقای زنان به سطوح عالی مدیریتی است (Veale&Gold,1998).

مرور نوشته‌های تحقیقی درباره استعاره سقف شیشه‌ای نشان می‌دهد که این مفهوم دلالت بر وجود مانع غیرقابل نفوذ دارد که در اکثر سازمانهای جهان، بدون اعتبار قانونی و صرفاً برحسب توافقه‌های ضمنی و نانوشته از ارتقای زنان در سازمان ممانعت به عمل می‌آورد (Wirth,2002:2). استعاره سقف شیشه‌ای زمانی به کار می‌رود که زنان صرفاً به خاطر جنسیت خویش از صعود به مراتب عالی سازمانی بازنگهداشته می‌شوند.

## تحلیل یافته‌ها

در این بخش با توجه به گزارشهای آماری آموزش عالی ایران در سالهای مختلف (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی) و نیز اطلاعات تولید شده بر مبنای مطالعات اسنادی، مجموعه‌ای از اطلاعات در باب مشارکت زنان در ترکیب دانشجویی، ترکیب جنسیتی اعضای هیئت علمی، تولید علمی، جوایز علمی و مدیریت زنان در نهادهای علمی ارائه می‌شود.

## مشارکت زنان در ترکیب دانشجویی

در این بخش سهم زنان در بین پذیرفته‌شدگان و دانشجویان از سال تحصیلی 1345-1344 به بعد، مشارکت آنان در گروه‌های آموزشی پنجگانه و در سطوح مختلف تحصیلی از کاردانی تا دکتری تخصصی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### سهم زنان در ترکیب جنسیتی پذیرفته‌شدگان و دانشجویان

نسبت دانشجویان زن در سال تحصیلی 51-1350 معادل 29/7 درصد کل دانشجویان بوده است و این وضعیت با اندکی نوسان تا بیش از بیست سال بعد، یعنی تا سال تحصیلی 73-1372 نیز تداوم داشته است و در این سال حتی سهم زنان در ترکیب جنسیتی دانشجویان به میزان 1/2 درصد نیز نسبت به سال مبدأ کاهش یافته است. افزایش قابل توجه زنان از سال تحصیلی 74-1373 به بعد رخ می‌دهد و تا سال تحصیلی 84-1383 از 30/5 به 53/9 درصد افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب آنچه که نیاز به تبیین دارد افزایش 23/4 درصد سهم زنان در آموزش عالی ایران در فاصله ده ساله منجر به سال تحصیلی 84-1383 می‌باشد و دگرگونی‌های پیش از آن تنها نوسانهای اندکی را شامل می‌شوند. همین وضعیت در مورد نسبت زنان در پذیرفته‌شدگان دانشگاه نیز صادق است. نسبت زنان پذیرفته شده در سال تحصیلی 73-1372 حتی از سال تحصیلی 58-1357 پایین تر است (29/5 درصد در مقابل 31/5 درصد) ولی در طی یازده سال بعد با 24/2 درصد افزایش به 53/7 درصد می‌رسد.

جدول 1: درصد پذیرفته‌شدگان و دانشجویان زن (1384-1344)

سال تحصیلی		پذیرفته‌شدگان		سال تحصیلی
وزارت علوم	کل کشور	وزارت علوم	کل کشور	
-	23/7	-	-	1344-45
-	24/7	-	-	1348-49
-	29/7	-	-	1350-51
-	29/8	-	-	1355-56
-	30/9	-	31/5	1356-57
-	29	-	28/9	1370-71
26/3	28/2	27	29/7	1371-72
26/9	28/5	29	29/5	1372-73
29	30/5	34	34/0	1373-74
31/6	32/6	37/1	37/3	1374-75
35/7	36/1	43/4	42/6	1375-76
39/3	38/2	45/7	43/1	1376-77
43/3	41/9	48/9	45/6	1377-78
46/4	44/1	52/3	48/3	1378-79
50/6	47/2	55/6	50/5	1379-80
53/4	49/7	58/3	51/9	1380-81
55/7	50/9	59/6	52/8	1381-82
58/7	53/4	59/7	53/9	1382-83
59/5	53/9	59/4	53/7	1383-84

منبع: آمار آموزش عالی ایران

تفاوت بین درصد پذیرفته‌شدگان و دانشجویان زن را اینگونه می‌توان توضیح داد که اعمال محدودیت برای ادامه تحصیل دختران به‌ویژه از جانب خانواده‌های سنتی تر و در شهرستانهای کوچکتر باعث می‌شود که تعدادی از دختران پذیرفته شده یا ثبت‌نام نکنند و یا در صورت ثبت‌نام به دلیل مخالفت خانواده به تحصیلاتشان ادامه ندهند.

برخی از دخترانی که در دانشگاههای خارج از محل سکونت خود و یا در دانشگاههای دورافتاده و مناطق محروم پذیرفته می‌شوند به دلیل اینکه در شرایط مزبور نمی‌توانند بدون حضور خانواده به سربرند، از ثبت نام در دانشگاهها خودداری می‌کنند.

### ترکیب جنسیتی دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلی

در سال تحصیلی 84-85 13 دانشجویان مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری (حرفه‌ای و تخصصی) به ترتیب معادل 24/6، 66/6، 4/9 و 3/8 درصد از دانشجویان را تشکیل می‌دهند و بنابراین حدود دو سوم دانشجویان در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کنند. در سال تحصیلی مزبور زنان در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی به ترتیب 40/8، 62/3، 36/6، 56/8 و 27/1 درصد از کل دانشجویان را تشکیل می‌دهند. بیشترین نسبت دانشجویان در مقطع کارشناسی و پس از آن در مقطع دکتری حرفه‌ای (گروه پزشکی) قرار دارند. دانشجویان زن به نسبت کمتری از مردان در دوره‌های کاردانی حضور دارند. با در نظر گرفتن سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی می‌توان گفت که با افزایش سطح تحصیلی نسبت حضور زنان دچار ریزش شده و کاهش پیدا می‌کند و در حالی که زنان 62/3 درصد دانشجویان کارشناسی را تشکیل می‌دهند، این نسبت در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری به 36/6 و 27/1 درصد تقلیل می‌پذیرد. در سطح کارشناسی به ازای هر دو دانشجوی زن یک دانشجوی مرد وجود دارد ولی در مقطع کارشناسی ارشد این نسبت معکوس می‌شود و به ازای هر دو دانشجوی مرد یک دانشجوی زن حضور دارد و در مقطع دکتری تخصصی مردان سه برابر زنان می‌باشند و به ازای هر دانشجوی زن سه دانشجوی مرد وجود دارد.

جدول 2: حضور زنان در مقاطع مختلف تحصیلی در گروه‌های آموزشی ششگانه (سال تحصیلی 85-1384)

رشته تحصیلی	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکترای حرفه‌ای	دکترای تخصصی
علوم انسانی	52/2	67/1	39/4	-	21/7
علوم پایه	70/7	68/1	50/9	-	31
کشاورزی	33/9	59/8	56/4	-	16/5
علوم مهندسی	24/3	29/4	17/5	-	12/2
علوم پزشکی	78/8	77/5	52/7	56/8	36/6
هنر	77/2	65/6	49/3	-	25/9
کل رشته‌ها	40/8	62/3	36/6	56/8	27/1

منبع: آمار آموزش عالی ایران

حضور زنان در سطوح مختلف تحصیلی به تفکیک رشته‌های آموزشی ششگانه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد: - در مقطع کاردانی 40/8 درصد از کل دانشجویان را زن تشکیل می‌دهد ولی تفکیک آن به رشته‌های مختلف نشان می‌دهد که در چهار رشته علوم پزشکی، هنر، علوم پایه و علوم انسانی به ترتیب با نسبت 78/8، 77/2، 70/7 و 52/2 درصد میزان حضور زنان بیشتر است و در دو رشته کشاورزی و علوم مهندسی این نسبت به

33/9 و 24/3 درصد کاهش پیدا می‌کند. بنابراین کمترین حضور زنان در دوره‌های کاردانی در رشته‌های فنی و مهندسی است که به ازای هر دانشجوی زن سه دانشجوی مرد وجود دارد.

- در مقطع کارشناسی در اکثر رشته‌ها زنان حضور بیشتری دارند، به طوری که در رشته‌های علوم پزشکی، علوم پایه، علوم انسانی، هنر و کشاورزی به ترتیب با 77/5، 68/1، 67/1، 65/6 و 59/8 درصد اکثریت با زنان می‌باشد و تنها در رشته علوم مهندسی زنان با 29/4 درصد حضور کمتری نسبت به مردان دارند.
  - در مقطع کارشناسی ارشد، زنان در رشته‌های کشاورزی، علوم پزشکی و علوم پایه به ترتیب با 52/7، 50/9 و 39/4 درصد مقدار کمی بیش از مردان حضور دارند. در رشته‌های هنر و علوم انسانی به ترتیب با 49/3 و 39/4 درصد این نسبت کاهش می‌یابد و در رشته‌های مهندسی با 17/5 درصد به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد.
  - در مقطع دکتری حرفه‌ای (گروه پزشکی) حضور زنان از مردان با نسبت 56/8 درصد بیشتر است.
  - در مقطع دکتری تخصصی در کلیه رشته‌های تحصیلی نسبت زنان از مردان پایین‌تر است. بیشترین و کمترین نسبت حضور زنان در دوره دکتری به علوم پزشکی و مهندسی به ترتیب با 36/6 و 12/2 درصد مربوط می‌شود.
- با وجود روند رو به رشد دختران در دوره‌های کارشناسی، حضور آنان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی هنوز به سطح مطلوبی نرسیده است. درصد جمعیت آنان نسبت به مردان در سال 84-1383 حدود 39 درصد در کل رشته‌ها و 36 درصد در رشته‌های غیرپزشکی است. پس از پزشکی، گروه‌های هنر و علوم پایه و سپس کشاورزی و دامپزشکی مورد توجه بوده‌اند. اما در تمامی گروه‌ها، مشارکت زنان تقریباً به میزان نصف مقطع کارشناسی است. زنانی که بتوانند با موفقیت دوره کارشناسی ارشد را بگذرانند، به رغم مشکلات اجتماعی با جدیتی بیش از مردان به تحصیلات عالی‌تر می‌پردازند. اما در گروه‌های هنر و علوم انسانی، مشارکت آنان در دوره دکتری کمتر از کارشناسی ارشد است. بر اساس یک فرضیه و با توجه به نبودن محدودیتها و ممنوعیتهای رسمی برای ورود زنان در رشته‌های این دو گروه در سطوح عالی و انطباق محتوی علمی رشته‌های این دو گروه با روحیات آنان، به نظر می‌رسد که دلیل عمده کاهش حضور زنان، توجه نداشتن دانش‌آموزان مستعد به رشته‌های علوم انسانی در کل جامعه دانش‌آموزی است. در نتیجه دختران مستعد و خانواده‌های آنان، برای ادامه تحصیل در سطح دکتری، بیشتر به رشته‌های گروه‌های پزشکی، علوم پایه، فنی - مهندسی و دامپزشکی توجه پیدا می‌کنند. بر مبنای فرضیه موجود رشته‌های مختلف گروه پزشکی در طول تاریخ دانشگاهها همیشه مورد توجه زنان بوده‌اند. ارزش برتر اجتماعی و درآمد نسبتاً خوب فارغ‌التحصیلان بیشتر رشته‌های این گروه، عامل اصلی توجه زنان به گروه پزشکی بوده است.



### روند تغییر ترکیب جنسیتی دانشجویان در گروه های آموزشی

نسبت دانشجویان زن از سال تحصیلی 72-1371 تا سال تحصیلی 84-1383 در طی دوره 12 ساله با 92/8 درصد رشد از 28 درصد به 54 درصد رسیده است، یعنی نسبت اولیه معادل 26 درصد افزایش یافته است. در سال 72-1371 بالاترین نسبت دانشجویان زن در گروه علوم پزشکی (44 درصد) وجود داشت، و پس از آن گروه های علوم پایه، هنر، علوم انسانی، فنی و مهندسی و کشاورزی (به ترتیب 35، 33، 30، 5 و 3 درصد) قرار داشتند ولی در سال 84-1383 بالاترین نسبت زنان در گروه هنر (70 درصد) و پس از آن در گروه علوم پزشکی، علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی و فنی و مهندسی (به ترتیب 67، 66، 63، 52 و 22 درصد) قرار دارد. به این ترتیب در این دوره رتبه گروه های علمی برحسب ترکیب جنسیتی آنها تغییر پیدا می کند. این تحول را می توان ناشی از تغییر برخی مقررات برای مثال اجازه ورود زنان به رشته های کشاورزی و نیز تغییر فضای توجه زنان نسبت به رشته های علمی محسوب کرد. در طی این دوره بیشترین تغییر در فضای توجه زنان را می توان در رشته های هنر و علوم انسانی (با افزایش 37 و 33 درصد) و پس از آن علوم پایه و پزشکی (با افزایش 31 و 23 درصد) مشاهده کرد. کمترین میزان دانشجویان زن در سال 84-1383 و نیز کمترین میزان افزایش توجه در طی دوره 12 ساله (به ترتیب 22 و 17 درصد) به رشته های فنی و مهندسی اختصاص دارد.

جدول 3: نسبت زنان در گروه های آموزشی (1371-1384)

گروه آموزشی سال تحصیلی	علوم انسانی	علوم پایه	کشاورزی و دامپزشکی	فنی و مهندسی	پزشکی	هنر	کل
1371-72	30	35	3	5	44	33	28
1372-73	30	36	2	6	45	36	28
1373-74	32	37	9	8	47	38	30
1374-75	35	39	16	10	49	46	32
1375-76	39	43	23	12	52	52	36
1376-77	42	46	30	12	53	54	38
1377-78	46	49	35	14	56	58	41
1378-79	49	54	39	16	58	59	44
1379-80	53	56	43	17	61	60	47
1380-81	56	59	46	18	63	63	49
1381-82	59	62	49	20	64	68	50
1382-83	62	64	51	21	67	70	53
1383-84	63	66	52	22	67	70	54

منبع: آمار آموزش عالی ایران

با نگاهی به آمارهای مربوطه دیده می شود که زنان تقریباً در تمام سالهای تحصیلی در رشته های گروه های علوم پزشکی، علوم پایه، هنر و علوم انسانی مشارکت بیشتر و در دو گروه کشاورزی - دامپزشکی و فنی - مهندسی حضور کمتری داشته اند. حضور ضعیف زنان در رشته های ریاضی و فیزیک و فنی و حرفه ای در مقطع متوسطه، مانع اصلی مشارکت زنان در رشته های علوم پایه و مهندسی است. در رشته های علوم انسانی و رشته هایی که معمولاً پسران کمتر طالب آنها هستند، سهم دختران افزایش پیدا کرده است ولی حضور زنان در

رشته‌های دیگر غیر از علوم انسانی نیز در طی این سالها بیشتر شده است و این یافته‌ها این دیدگاه کلیشه‌ای را که زنان فقط باید در علوم انسانی تحصیل کنند مورد تردید قرار می‌دهد.

### سهم زنان در ترکیب جنسیتی اعضای هیئت علمی

زنان هیئت علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در کل کشور در سال تحصیلی 84-1383 معادل 18/1 درصد کل اساتید را تشکیل می‌دهند و این میزان در سال تحصیلی 45-1344، 9/5 درصد بوده است و در طول چهل سال به دو برابر افزایش یافته است. براساس آمار موجود نسبت اساتید زن در سال تحصیلی 72-1371 حتی از وضعیت کنونی نیز بیشتر، یعنی معادل 18/3 درصد بوده است و بنابراین در عرض 15 سال اخیر ترکیب جنسیتی اساتید دانشگاهها بدون تغییر باقی مانده است و در برخی موارد (برای مثال سال تحصیلی 84-1383 نسبت به سالهای 78-1377 و پس از آن) حتی کاهش داشته است.

اساتید زن در سال تحصیلی 84-1383 معادل 14 درصد از اعضای هیئت علمی دانشگاههای وابسته به وزارت علوم را تشکیل می‌دهند و این نسبت در فاصله سالهای 72-1371 به بعد حدود 2 درصد افزایش را داشته است. مقایسه بین اعضای هیئت علمی زن دانشگاههای وابسته به وزارت علوم و کل مراکز آموزش عالی کشور نشان می‌دهد که ظاهراً امکان تدریس زنان در مراکز آموزش عالی غیروابسته به وزارت علوم بیشتر می‌باشد (18/1 درصد نسبت به 14 درصد). این نسبت در مورد دانشجویان معکوس است، زیرا در سال تحصیلی 84-1383 معادل 59/5 دانشجویان دانشگاههای وابسته به وزارت علوم و 53/9 درصد از دانشجویان کل مراکز آموزش عالی را دختران و زنان تشکیل می‌دهند.

جدول 4: نسبت زنان عضو هیئت علمی مراکز آموزش عالی ایران (1384-1344)

سال تحصیلی	تعداد اعضای هیئت علمی	
	کل	زنان
1344-45	2486	236
1349-50	6474	797
1354-55	13392	1831
1357-58	16222	2214
1358-59	16877	2455
1361-62	9042	1424
1365-66	14341	2293
1366-67	16580	2654
1367-68	17447	2937
1368-69	20411	3493
1369-70	23374	4050
1371-72	30262	5539
1377-78	36723	5309
1378-79	24940	4831
1379-80	25828	5031
1380-81	54969	10070
1381-82	59763	11226
1382-83	67775	12413
1383-84	72889	13188

منبع: آمار آموزش عالی ایران

هرچند 18 درصد اساتید دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور را اعضای هیئت علمی زن تشکیل می‌دهد ولی این ترکیب در سطوح تحصیلی مختلف با همدیگر تفاوت دارد و با افزایش مرتبه علمی نسبت زنان کاهش پیدا می‌کند. اعضای هیئت علمی زن با درجه‌های استاد و دانشیار به ترتیب 6 و 8 درصد از جمعیت زیربط را تشکیل می‌دهند و این نسبت در مراتب استادیار و مربی به 14 و 20 درصد افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب زنان دارای مراتب علمی پایین‌تر حضور بیشتری در کادر هیئت علمی دانشگاهها دارند. با وجود این در فاصله دوازده ساله 72-1371 تا 84-1383 با وجود عدم تغییر در مشارکت کلی اعضای هیئت علمی زن سهم آنان در مراتب استادی، دانشیاری و استادیاری به ترتیب با 3، 2 و 1 درصد افزایش به 6، 8 و 14 درصد رسیده است.

جدول 5: نسبت زنان هیئت علمی به تفکیک مراتب دانشگاهی (1371-1384) (دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور)

سال تحصیلی	71-72	73-74	75-76	77-78	79-80	81-82	83-82	84-83
استاد	3	4	4	6	5	6	6	6
دانشیار	6	7	8	7	8	8	9	8
استادیار	13	16	14	13	14	14	15	14
مربی و مربی آموزشیار	20	20	19	20	21	21	21	20
سایر مدرسان	22	20	20	19	20	22	21	21
درصد کل	18	17	17	17	18	19	18	18

منبع: آمار آموزش عالی ایران

نسبت اعضای هیئت علمی زن در دانشگاههای وابسته به وزارت علوم در سال تحصیلی 84-1383 معادل 14 درصد می‌باشد که از همین نسبت در کل دانشگاهها و مراکز آموزش عالی 4 درصد کمتر است. این نسبت در فاصله سالهای 72-1371 تا 84-1383 دو درصد افزایش یافته است. نسبت زنان با درجه استادی، دانشیاری، استادیاری و مربی در همین فاصله به ترتیب با 2، 2، 3 و 1 درصد به 5، 6، 9 و 15 درصد افزایش پیدا کرده است. مقایسه سهم زنان در کل جمعیت و سطوح مختلف هیئت علمی نشان می‌دهد که جذب و ارتقای زنان در مراکز آموزش عالی کشور نسبت به دانشگاههای وابسته به وزارت علوم از وضعیت بهتری برخوردار است.

جدول 6: نسبت زنان هیئت علمی به تفکیک مراتب دانشگاهی (1371-1384) (دانشگاهها و مراکز آموزش عالی)

سال تحصیلی	71-72	73-74	75-76	77-78	79-80	81-82	82-83	84-83
استاد	3	3	5	4	5	5	6	5
دانشیار	4	4	5	5	4	5	9	6
استادیار	6	5	6	6	7	9	9	9
مربی و مربی آموزشیار	14	13	12	13	15	15	15	15
سایر مدرسین	17	13	13	14	17	18	18	6
درصد کل	12	11	10	11	12	13	14	14

منبع: آمار آموزش عالی ایران

دانشگاهها به عنوان بهترین و عالی‌ترین سطح آموزش، همیشه مورد توجه زنان متخصص بوده است. در دوره 12 ساله (83-1371) شمار اعضای هیئت علمی و درصد زنان پیوسته سیر صعودی داشته است. اما توجه به کمیت بدون در نظر گرفتن کیفیت نمی‌تواند موفقیت پایدار محسوب شود. اگر ملاک کیفیت درجات علمی دانشگاهی در نظر گرفته شود، با توجه به آمار، زنان نسبت به مردان در مرتبه‌های علمی پایین‌تر قرار داشته‌اند. در مرتبه‌های استادیاری، دانشیاری و استادی نسبت مردان در مرتبه موردنظر به کل اعضای هیئت علمی مرد، بیش از نسبت مذکور در مورد زنان است، اما در مرتبه‌های مربی، مربی آموزشی و سایر مدرسان، ترتیب معکوس می‌شود. با وجود تمایل زنان واجد شرایط برای مشارکت در کادر هیئت علمی هنوز زنان به‌سختی در این کادر پذیرفته می‌شوند و با وجود تبعیضهای سازمانی به زنان فرصت مناسب برای ارتقا داده نمی‌شود و معمولاً مردان موقعیت بهتری دارند.

### سهم زنان دانشجو و عضو هیئت علمی از جوایز علمی

جشنواره جوان خوارزمی: این جشنواره یکی از عرصه‌های رقابت دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی جوان (زیر 30 سال) برای کسب جوایز علمی می‌باشد. در این مطالعه شرکت‌کنندگان و برگزیدگان این جشنواره در طی یک دوره پنج‌ساله (1383-1379) در گروه‌های پنجگانه علوم انسانی و هنر، علوم پایه، علوم پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به تفکیک جنسیت بررسی شدند.

جدول 7: برگزیدگان دانشجویی جشنواره خوارزمی (1383-1379)

رشته	زن				مرد			
	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع
علوم انسانی و هنر	3	3	6	6	2	6	8	14
علوم پایه	1	1	2	2	3	7	10	12
علوم پزشکی		4	1	5	5		5	10
فنی و مهندسی	5		1	6	24	3	37	43
کشاورزی و دامپروری		3		3	5	2	7	10
جمع کل	9	11	2	22	26	12	67	89

منبع: مطالعه اسنادی (دبیرخانه جشنواره جوان خوارزمی)

به طور متوسط (با توجه به میانگین سالهای 82 و 1383) 29/4 درصد از شرکت‌کنندگان در این جشنواره را زنان تشکیل می‌دهند. میزان مشارکت زنان در گروه علوم انسانی و هنر (معادل 54/4 درصد) از همه گروه‌ها بالاتر است و پس از آن گروه علوم پزشکی، کشاورزی و علوم پایه (با درصدهای 36 و 34/9) قرار دارند و

کمترین میزان مشارکت در گروه فنی و مهندسی با 17/3 درصد می‌باشد. به این ترتیب زنان در گروه های علوم انسانی و هنر، علوم پزشکی بیشتر خود را در عرصه رقابت قرار می‌دهند در حالی که در گروه فنی و مهندسی تمایل کمتری برای رقابت با مردان به منظور کسب جوایز علمی دارند. شاخص میزان مشارکت دانشجویان زن با توجه به داوطلبانه بودن این گونه مشارکتها می‌تواند به عنوان شاخص انتظار زنان برای کسب موفقیت در رقابتهای علمی سطح بالاتر تلقی شود. براین اساس زنان در رشته‌های علوم انسانی و علوم پزشکی بالاترین انتظار و در رشته فنی و مهندسی کمترین انتظار را از خود دارند.

جدول 8: درصد شرکت کنندگان زن در جشنواره جوان خوارزمی

سال	79	80	81	82	83	میانگین 82-83
رشته						
علوم انسانی و هنر	-	-	-	50/7	57	54/4
علوم پایه	-	-	-	33/3	36/7	34/9
علوم پزشکی	-	-	-	50/7	34/9	43/2
فنی و مهندسی	-	-	-	9	22	17/3
کشاورزی و دامپروری	-	-	-	33/9	38	36
کل	22/4	26	30	26/5	31/5	29/4

منبع: مطالعه اسنادی (دبیرخانه جشنواره جوان خوارزمی)

### میزان موفقیت دانشجویان زن

با توجه به آمارهای دوره پنج ساله (1379-1383) زنان جوان 24/7 درصد از جوایز جشنواره جوان خوارزمی را به خود اختصاص داده‌اند ولی این نسبت در بین گروه های تخصصی پنجگانه به یکسان توزیع نشده است. بیشترین نسبت برگزیدگان زن در گروه های علوم پزشکی و علوم انسانی و هنر (به ترتیب 50 و 42/8 درصد) بوده است؛ رشته کشاورزی با نسبت 30 درصد وضعیت میانه‌ای دارد و گروه علوم پایه و فنی و مهندسی (به ترتیب با 16/6 و 13/9 درصد) کمترین میزان اختصاص جوایز به دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان زن را داشته‌اند. این نسبت در سطوح مختلف تحصیلی نیز با همدیگر تفاوت دارد. زنان در دوره کارشناسی ارشد با 27/5 درصد بالاترین نسبت را دارند و پس از آن زنان با مدرک کارشناسی (معادل 25/7 درصد) قرار می‌گیرند. در سطح دکتری میزان موفقیت زنان نسبت به سطوح کارشناسی ارشد و کارشناسی پایین‌تر می‌باشد و فقط 14/2 درصد از جوایز سطح دکتری به دانشجویان و یا دانش‌آموختگان دوره دکتری تخصصی اختصاص پیدا کرده است.

### پژوهشگران برگزیده

در سالهای اخیر وزارت علوم تعدادی از اساتید و محققان را از بین افراد معرفی شده به وسیله دانشگاهها و مراکز پژوهشی (وابسته به وزارت علوم) به عنوان پژوهشگر برگزیده انتخاب می‌کند و به همراه محققان برگزیده وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی در هفته پژوهش مورد تقدیر قرار می‌دهد.

در دو ساله 1384 و 1385 دانشگاهها و مراکز پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری 276 نفر را به عنوان نامزد کسب عنوان پژوهشگر برگزیده کشور معرفی کرده‌اند که از این تعداد فقط 14 نفر و معادل 5 درصد از معرفی‌شدگان را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین نسبت معرفی‌شدگان زن در گروه هنر (معادل 25 درصد) قرار دارند و کمترین نسبت از معرفی‌شدگان رشته‌های فنی و مهندسی (معادل 2/7 درصد) می‌باشند. با وجودی که تعداد زنان پژوهشگر در علوم انسانی بالا می‌باشد، فقط 5 درصد از معرفی‌شدگان این گروه از بین زنان می‌باشند.

جدول 9: پژوهشگران برگزیده معرفی شده از دانشگاهها و مراکز پژوهشی (1385-1384)

سال رشته	1384		1385		جمع	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
علوم انسانی	29	2	27	1	56	3
علوم پایه	44	2	36	4	80	6
فنی و مهندسی	39	2	33	-	72	2
کشاورزی	21	-	24	-	45	-
هنر	2	1	7	2	9	3
جمع	135	7	127	7	262	14
	95	4/9	94/7	5/2	94/9	5

منبع: مطالعه اسنادی (دبیرخانه هفته پژوهش کشور)

بررسی آمارهای مربوط به پژوهشگران برگزیده کشور (بخش عمومی) در دوره پنج‌ساله 1381-1385 نشان می‌دهد که تنها 7/1 درصد از این برگزیدگان را زنان پژوهشگر تشکیل می‌دهند. براساس این آمارها این نسبتها در سطوح مختلف تحصیلی نیز با همدیگر تفاوت دارند و بیشترین نسبت زنان برگزیده در مقطع کارشناسی ارشد و کارشناسی (به ترتیب با 13 و 11/7 درصد) می‌باشد و زنان دارای مدرک دکتری تخصصی تنها 3/4 درصد از پژوهشگران برگزیده این مقطع می‌باشند.

جدول 10: پژوهشگران برگزیده کشور به تفکیک سطح تحصیلی و جنسیت (1385-1381)

سال	سطح تحصیلی							
	کارشناسی				دکتری			
	کارشناسی ارشد		کارشناسی ارشد		دکتری		دکتری	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
1381	2	1	3	11/5	23	-	4	6/2
1382	2	-	3	11/5	26	2	7	2
1383	4	1	4	11/4	31	2	10	2
1384	6	-	8	25/8	23	2	5	2
1385	1	-	3	15	17	2	28	2
	100	-	100	100	85	3/6	7/1	92/8

64	60	4	228	8	120	18	15	2	جمع کل
100	93.8	6.2	96.6	3.4	86.9	13	88.2	11.7	

منبع: مطالعه اسنادی (دبیرخانه هفته پژوهش کشور)

## نقش زنان در مدیریت نهادهای علمی

یکی از مؤلفه‌های مرتبط با نقش زنان در قلمروی علم میزان مشارکت آنان در سیاستگذاری علم و مدیریت نهادهای علمی می‌باشد. برای ارزیابی این مؤلفه از سه معرف زیر استفاده شد:

### نقش زنان در مدیریت مراکز آموزشی و پژوهشی

برای ارزیابی نقش زنان در مدیریت علمی لیست رؤسا و معاونان دانشگاهها، مراکز تحقیقات دولتی، پارکهای علم و فناوری (وابسته به وزارت علوم) و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی مورد بررسی قرار گرفت. از بین 55 دانشگاه دولتی، تنها رئیس یکی از دانشگاهها (دانشگاه الزهراء) زن می‌باشد و رؤسای 98/2 درصد دیگر دانشگاهها مرد می‌باشد. رؤسای هیچ یک از 30 مرکز پژوهشی دولتی و 7 پارک علم و فناوری از اعضای هیئت علمی زن نمی‌باشد. رئیس یکی از 63 مؤسسه آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی نیز زن می‌باشد. در لیست معاونان دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی دولتی و پارکهای علم و فناوری در مجموع 313 نفر وجود دارد که 17 نفر، یعنی معادل 5/1 درصد آنان زن می‌باشند.

جدول 1: مشارکت زنان در مدیریت مراکز علمی

ردیف	مراکز علمی	تعداد	رئیس			معاونان		
			مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
1	دانشگاه	55	54	1	55	244	10	254
			98.2%	1.8%	100%	96.1%	3.9%	100%
2	مراکز تحقیقاتی دولتی	30	30	-	30	58	4	62
			100%	-	100%	93.5%	6.5%	100%
3	پارک‌های علم و فناوری	7	7	-	7	11	3	14
			100%	-	100%	78.6%	21.4%	100%
4	مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی	63	62	1	63	-	-	-
			100%	1.6%	100%	-	-	-

منبع: مطالعه اسنادی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری 1386)

## مشارکت زنان در مدیریت انجمنهای علمی

انجمنهای علمی به عنوان سازمانهای مستقل و برآمده از تعاملات اعضای هیئت علمی یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های غیردولتی برای مدیریت و سیاستگذاری بر فعالیتهای آموزشی و پژوهشی می‌باشد. براساس مدارک موجود در کمیسیون انجمنهای علمی ایران در مجموع 1014 نفر در هیئت مدیره انجمنهای علمی دارای مجوز از وزارت علوم عضویت دارند که از این تعداد 80 نفر معادل 7/9 درصد از اساتید و پژوهشگران زن می‌باشند. میزان مشارکت زنان در انجمنهای علوم انسانی معادل 17/5 درصد از سایر گروه‌های تخصصی بیشتر

است و گروه‌های فنی و مهندسی و علوم پایه به ترتیب با 3/5 و 2 درصد از کمترین میزان مشارکت زنان در هیئت های مدیره انجمنهای علمی برخوردارند.

جدول 12: مشارکت زنان در هیئت مدیره انجمنهای علمی

ردیف	نام گروه	زن	مرد	جمع
1	علوم انسانی	2 ٪2/6	76 97/4	78 ٪100
2	فنی و مهندسی	12 ٪3/5	328 ٪96/5	340 ٪100
3	علوم انسانی	35 ٪17/5	165 ٪82/5	200 ٪100
4	کشاورزی	5 ٪4/5	106 ٪95/5	111 ٪100
5	بین رشته‌ای	26 ٪9/1	259 ٪90/9	285 ٪100
	جمع	80 ٪7/9	934 ٪92/1	1014 ٪100

منبع: بررسی اسنادی (کمیسیون انجمن‌های علمی ایران 1386)

### مشارکت زنان در هیئت های تحریریه مجلات علمی

عضای هیئت علمی تحریریه معمولاً در تعیین خط‌مشی‌های کلی مجلات علمی و تعیین معیارهای داوری و پذیرش مقالات نقش تعیین کننده‌ای دارند و ترکیب جنسیتی این هیئت‌ها می‌تواند در جهت‌یابی فعالیت‌های پژوهشی تأثیرگذار باشد. بررسی‌های ما بر مبنای مجلات علمی (دارای درجه‌ی پژوهشی یا ترویجی) موجود در کمیسیون نشریات علمی کشور نشان می‌دهد که در مجموع 2724 نفر عضویت در هیئت‌های تحریریه این مجلات را به عهده دارند که تنها 176 نفر از آنان (معادل 6/5 درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین مشارکت زنان با 9/7 درصد به مجلات علوم انسانی و کمترین آن به علوم پایه، فنی و مهندسی، هنر و معماری (به ترتیب 5/5، 3/3، 3/2 درصد) تعلق دارد.

جدول 13: مشارکت زنان در هیئت تحریریه مجلات علمی

ردیف	نام گروه	تعداد و درصد مجله	تعداد و درصد		
			زن	مرد	جمع
1	علوم پایه	31 ٪12/6	16 ٪5/5	274 ٪94/5	290 ٪100
2	فنی و مهندسی	57 ٪23/1	26 ٪3/3	754 ٪96/7	780 ٪100
3	علوم انسانی	117 ٪47/4	120 ٪9/7	1120 ٪90/3	1240 ٪100
4	کشاورزی	39 ٪15/7	13 ٪3/2	370 ٪96/6	383 ٪100
5	هنر و معماری	3 ٪1/2	1 ٪3/2	30 ٪96/8	31 ٪100
6	جمع	247 ٪100	176 ٪6/5	2548 ٪93/5	2724 ٪100

منبع: بررسی اسنادی (کمیسیون نشریات علمی کشور 1386)



## نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق ناموزونی مشارکت زنان در آموزش عالی را نشان می‌دهد. با وجود حضور بیش از 50 درصدی دختران در دانشگاهها، مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون آموزش عالی ناموزون است. تلاش زنان در کسب مدارج عالی تحصیلی و افزایش روزافزون آنان در دانشگاهها با شاخصهای کیفی دانشگاهی و از جمله با حضور آنان در سطوح عالی مدیریتی، میزان تولید دانش و دریافت جوایز علمی همخوانی ندارد. افزایش حضور دختران در دانشگاهها، حکایت از انگیزه‌های فردی و اجتماعی آنان برای کسب دانش و مدارج تحصیلی دارد، اما نظام آموزش عالی هنوز خود را برای سازگاری با این حضور گسترده آماده نساخته است. با کاربرد نظریه سقف شیشه‌ای تا حدی می‌توان این عدم توازن را توضیح داد. بر مبنای این نظریه، پاره‌ای از عوامل پیدای و پنهان فرهنگی و اجتماعی و از جمله نقش ساختارهای ضمنی قدرت را می‌توان از جمله موانع عمده عدم توازن مشارکت زنان در آموزش عالی محسوب کرد. قبل از ارائه تحلیل نظری از یافته‌های این مطالعه ابتدا به مهمترین ناموزونی‌های بررسی شده اشاره می‌شود:

- بین توزیع رشته‌های زنان با توزیع رشته‌های مردان تفاوت وجود دارد؛
  - بین توزیع زنان و مردان در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد؛
  - بین توزیع زنان و مردان در مراتب گوناگون هیئت علمی تفاوت وجود دارد؛
  - بین میزان حضور زنان در هیئت‌های علمی و مشارکت آنان در مدیریت مراکز آموزش عالی و پژوهشی، مدیریت انجمنهای علمی و مجلات علمی توازن وجود ندارد؛
  - بین سهم زنان در ترکیب دانشجویی و سهم زنان در ترکیب اعضای هیئت علمی توازن وجود ندارد؛
  - بین سهم زنان در ترکیب دانشجویی و میزان کسب جوایز جشنواره خوارزمی به‌وسیله آنان توازن وجود ندارد؛
  - بین میزان حضور زنان در هیئت‌های علمی و سهم آنان از جوایز پژوهشگران برگزیده توازن وجود ندارد.
- برای تبیین این ناموزونی‌ها می‌توان فرضیه‌های متفاوتی را ارائه داد که این فرضیه‌ها باید از طریق پژوهشهای روشمند به آزمون گذاشته شوند. در مورد حضور کمتر دانشجویان دختر در سطوح تحصیلات تکمیلی می‌توان فرضیه‌هایی چون وجود تورش مردانه در معیارهای گزینش دانشجو در سطوح تحصیلات تکمیلی، انگیزه کمتر زنان برای ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی و ناتوانی زنان در رقابت علمی برای ورود به سطوح بالاتر دانشگاهی را مطرح کرد. در مورد این رویداد که « زنان دانشجو و استاد برحسب معیارهای رایج مراتب پایین‌تری از سطوح کیفیت علمی را به خود اختصاص می‌دهند» می‌توان سه فرضیه وجود تورش مردانه در معیارهای سنجش کیفیت علمی، نبود انگیزه‌های دختران و زنان دانشگاهی برای رقابت‌های علمی در سطح کیفیت و ناتوانی آنان از تأمین معیارهای کیفی در قلمروی علم را مطرح کرد. در مورد دلایل پایین بودن سهم زنان در ترکیب اعضای هیئت علمی (و نیز در سطوح بالاتر آن) می‌توان به فرضیه‌هایی چون تورش مردانه در فرایندهای گزینش و ارتقای اساتید، تمایل مردان به ایجاد انحصار در گروه‌های آموزشی و پژوهشی، علاقه

کمتر زنان به عضویت در کادر هیئت علمی و ناتوانی آنان از تأمین معیارهای موردنظر برای عضویت و ارتقا اندیشید. سهم کمتر زنان در مدیریت مراکز عالی آموزشی و پژوهشی نیز می‌تواند ناشی از غلبه معیارهای مردانه در انتخاب مدیران مؤسسات علمی، عدم استقبال زنان از پذیرش مدیریت مؤسسات علمی و توانایی کمتر آنان برای مدیریت مؤسسات علمی تلقی شود. به همین ترتیب سهم کمتر زنان در مدیریت انجمنهای علمی می‌تواند ناشی از مردانه بودن فضای ارتباطی در انجمنهای علمی، تمایل بیشتر اعضای انجمنهای علمی به انتخاب مردان، وقت کمتر زنان برای حضور و فعالیت در انجمنهای علمی به دلیل مسؤولیت‌های خانوادگی، جذابیت کمتر اهداف انجمنهای علمی برای زنان و بالاخره توانایی کمتر زنان برای تحقق اهداف و وظایف انجمنهای علمی محسوب شود. در مورد سهم کمتر زنان در مدیریت مجلات علمی نیز می‌توان به فرضیاتی چون مردانه‌تر بودن فضای تولید علمی، وجود تبعیض جنسیتی در انتخاب اعضای هیئت تحریریه مجلات، وقت کمتر زنان برای همکاری با مجلات علمی به دلیل مسؤولیت‌های خانوادگی و عدم توانایی زنان برای کنترل فرایندهای تولید علمی از طریق مجلات اشاره کرد. در اینجا متناسب با مفروضات نظری این مطالعه، در باره عوامل فرضی مؤثر بر ناموزنی حضور زنان در آموزش عالی داوریهایی ارائه می‌شود. در کلیه این موارد انتساب ناتوانی به زنان ناشی از رویکرد ذات‌گرایانه و مبتنی بر پیشداوریهای جنسیتی است. فرضیه‌های مربوط به نبود انگیزه تنها در این صورت قابل قبول است که ارتباط انگیزشها با فضای روانشناختی اجتماعی فعالیت‌های انسانی مورد توجه قرار گیرد. در بسیاری از موارد کاهش انگیزه یک فرایند واکنش منفی و مقاومت در برابر تبعیض است. به نظر ما، در این میان تنها آن دسته از فرضیاتی مورد پذیرش است که در سازگاری با نظریه سقف شیشه‌ای بتواند ناموزنی‌های مشارکت زنان در سطوح مختلف را بر اثر انواع موانع بازدارنده پیشرفت و ارتقای تحصیلی، علمی و شغلی زنان و از جمله وجود نگرشها و تعصبهای منفی که مانع مشارکت کیفی و کمی زنان می‌شوند، بیان کنند. به این ترتیب زنان در حیطه عمومی زندگی خود و از جمله در دانشگاهها و مراکز علمی با محدودیتهای غیر قابل رؤیت ولی واقعی دست و پنجه نرم می‌کنند. نظریه سقف شیشه‌ای در قلمروی آموزش عالی بیان می‌کند که زنان در این قلمرو در دستیابی به سطوح بالای سلسله مراتب شکست می‌خورند. آنان به پستهای عالی در دانشگاهها و سایر نهادهای علمی نزدیک می‌شوند، اما به‌ندرت آن را به چنگ می‌آورند. حضور زنان در آموزش عالی در سالهای اخیر از نظر کمی افزایش پیدا کرده است ولی از لحاظ کیفی و ارتقا به سطوح مدیریت، نابرابریهایی دیده می‌شود و این دسته از نابرابریها را می‌توان ناشی از محدودیتهای نامرئی و شیشه‌گونی دانست که بدون اعتبار قانونی و صرفاً برحسب توافقهایی ضمنی و نانوشته، حداکثر سقف ارتقای زنان را تعیین می‌کنند.

با توجه به مفروضات نظری این مطالعه و پژوهشهای پیشین محدودیت پیشرفت زنان را می‌توان با رویکردی تعاملی و ناشی از پیوند عوامل درونی همچون عوامل روانشناسی اجتماعی خود زنان و عوامل بیرونی نظیر عوامل ساختاری و جایگاهی توضیح داد. به این ترتیب جایگاه زنان و پیشرفتهای علمی و شغلی آنان در آموزش عالی ناشی از انگیزه‌های فردی و عوامل مرتبط با بافت سازمان و یا در مقیاس گسترده‌تر،

نظام اجتماعی آموزش عالی و از جمله عوامل ساختاری ضمنی، پنهان و غیر رسمی در این قلمرو است. بر مبنای نظریه سقف شیشه‌ای می‌توان گفت که عوامل فردی و بیش از آن عوامل فرهنگی و محیطی به طور کلی در تکوین ناموزونی‌های مشارکت زنان در آموزش عالی و به طور خاص در عدم ارتقای زنان به‌ویژه در سطوح مدیریتی و علمی مؤثر بوده‌اند.

بنابراین برای تغییر دادن این وضعیت می‌باید به عاملیت زنان و دگرگونی‌های ساختاری امید بست. از این رو راهکارهای دو جانبه مبتنی بر عاملیت فردی و دگرگونی ساختاری و از جمله موارد زیر می‌توانند به کاهش ناموزونی‌های مشارکت زنان در آموزش عالی و شکستن این سقف نامرئی کمک کنند:

- تقویت حضور فعال زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در نظام آموزش عالی
- استفاده از ظرفیتها و توانمندیهای زنان تحصیلکرده در عرصه‌های گوناگون علمی
- حضور زنان دانشگاهی در کمیته‌های مصاحبه و انتخاب دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی
- بازبینی ضوابط گزینش و ارتقای اعضای هیئت های علمی به منظور خنثی‌سازی معیارهای احتمالی جنسیتی
- اختصاص جوایز علمی در قلمروهای مطالعاتی مورد علاقه زنان
- استفاده بیشتر از تواناییهای زنان در مدیریت مراکز آموزش عالی
- تلاش بیشتر زنان برای عضویت و فعالیت در انجمنهای علمی
- توجه بیشتر زنان به اهمیت حرفه‌ای تولید دانش
- اهمیت‌دادن به معیارهای سبک پژوهش و نوشتار زنانه در داوری مقالات
- افزایش مشارکت زنان در داوری مقالات و حضور در هیئت های تحریریه مجلات علمی و پژوهشی.

## منابع

- احمدی، بتول (1376) «جایگاه زنان در مدیریت آموزش عالی»، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، جلد اول، صص 319-301.
- آدر، کارول آدینگر (1384) *سقف شیشه‌ای، بررسی عوامل مؤثر بر دستیابی زنان به پستهای کلیدی*. ترجمه: سیما مهذب حسینیان، تهران: بهنام.
- اسفیدانی، محمد رحیم (1381) «موانع دستیابی زنان به پستهای مدیریت»، پژوهش زنان، ش 4، صص 67-85.
- اعزاز، شهلا (1381) «موقعیت زنان در مجلات تخصصی جامعه‌شناسی»، پژوهش زنان، ش 4، صص 86-111.
- ایرجی زاد، اعظم (1374) «بررسی وضعیت زنان دانشگاهی در رشته های علوم پایه و فنی و مهندسی»، در مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، صص 305-326.

- ایرجی‌زاد، اعظم (1379) «بررسی مشارکت کیفی زنان در آموزش عالی و ارائه راه‌کارهایی جهت افزایش آن»، مجموعه مقالات کنگره زن، دانشگاه، فردای بهتر، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- ایمانی، مصطفی و مرتضی مردیها (1381) بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- بابایی زکلیکی، محمد علی (1385) «چالشهای زنان برای ارتقا به مشاغل مدیریتی در سازمانهای دولتی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت.
- بوذری، سیما (1380) جایگاه زنان در آموزش عالی از دیدگاه آماردر: توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی. صدیقه شکوری راد، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- جانعلیزاده چوب بستی، حیدر (1386) «تحلیلی بر جایگاه زنان در نهادهای علمی و تخصصی نخبه»، پژوهش زنان، شماره 1، صص 173 - 199.
- جدی زنجانی، سوسن و فیروزه صابر (1374) «بررسی جایگاه و نقش زنان در سطوح قانونگذاری، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور»، در مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، صص 80-69.
- حسینی لرگانی، مریم (1386) مشارکت زنان عضو هیئت علمی نسبت به مردان عضو هیئت علمی در سمت‌های مدیریت دانشگاهی. طرح پژوهشی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- خمسه، اکرم (1379) «رشد کمی دانشجویان دختر و آینده آموزش عالی»، مجموعه مقالات زن، دانشگاه، فردای بهتر. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری و مرکز امور مشارکت زنان.
- زاهدی، شمس السادات (1381) «تغییرات جایگاه شغلی زنان دانشگاهی در یک دهه»، پژوهش زنان، ش 4، 53 - 66.
- شکوری‌راد، صدیقه (1380) توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- صابر، فیروزه و دیگران (1374) «بررسی نقش زنان در اهداف و سیاستهای آموزشی برنامه‌های توسعه کشور»، در مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، صص 151-172.
- صالحی، ابراهیم (1380) بررسی گسترش آموزش عالی در ایران با رجوع خاص به مشارکت زنان. ترجمه: اسماعیل یزدانپور و صدیقه شکوری راد، در: توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، صص 31-58.
- عبداللهی، مژگان، (1381) «سقف شیشه‌ای: مانع ارتقای شغلی زنان»، مطالعات مدیریت. شماره 35 و 36.
- غیائی، مینو (۱۳۷۹) بررسی روند وضعیت آموزشی زنان در آموزش عالی (بخش دولتی) از سال ۱۳۶۹ تا سال 1370. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- فراستخواه، مقصود (1383) «زنان، آموزش عالی و بازار کار»، پژوهش زنان، دوره 2، ش 1، صص 165-178.
- قانونی‌راد، محمدمامین (1384) «توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره 15.
- کارنامه حقیقی، حسن و نعمت‌اله اکبری (1384) «بررسی مشارکت زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره 3، ش 1، صص 69-100.
- کاظمی‌پور، شهلا (1380) روند تحولات جمعیت دانش‌آموزی و دانشجویی کشور طی سالهای 1355 تا 1377 با تکیه بر سهم زنان در این گروه‌ها در: توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی. صدیقه شکوری راد، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- گائینی، فاطمه (1385) ارزیابی وضعیت زنان در آموزش عالی طی ده ساله اخیر 1371-72 تا 1381-82. تهران: شورای فرهنگی

اجتماعی زنان .

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (1386) *آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی 1384-85*. تهران.

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (1383) *آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی 1382-83*. تهران.

محبوب، ایران و جلیل، ساحل طاهریان فرد (1384) « عوامل مؤثر بر آرزوهای شغلی نوجوانان دختر در شهر شیراز»، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

محمدی، اکرم (1374) « عوامل مؤثر در عدم حضور فعال زنان در قانونگذاری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اجرایی»، مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، صص 105-122.

منصوره اعظم، آزاده (1384) «آگاهی از نابرابریهای جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابریهای جنسیتی»، پژوهش زنان. دوره 3، شماره 2.

هالک، فرح السادات (1374) « نقش زن در تحقیقات»، مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، صص 53-68.

ودادهیر، ابوعلی (1381) « زنان و آموزش عالی: تکوین هویتی نوین برای زنان در آموزش عالی»، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان. تهران: ش 15.

Lemonie, W.(1992)"Productivity patterns of men and women scientists in Venezuela", *Sciencometrics*.vol.24, 2, pp: 281-295.

Leta, Jacqueline & Lewison, G(2003)"The contribution of women in Brazilian, Science: A case study in astronomy, immunology and oceanography", *Scientometrics*. Vol.57, no.3, pp:339-353.

Lewison, G(2001) "The quantity and quality of female researchers: A bibliometric study of Iceland", *Scientometrics*. Vol.52, No.1, pp: 29-43.

Mathur-Helm,B(2006)"Women and the Glass Ceiling in South African Banks:An Illusion or Reality?", *Women in Management Review*. Vol. 21 no.,4,pp.311-326.

Maume,D.J(2004)"Is The glass ceiling a unique Form of inequality? evidence from a random-effects model of managerial attainment ", *Work and Occupation*.Vol. 31, no. 2, pp:250-274.

Mitra,A(2003)"Breaking the glass ceiling: African-American women in management Positions",*Equal Opportunities International*. Vol. 22, no.2, PP:68-79.

Pripi, K(2002)"Gender and productivity differential in science", *Scientometric*,Vol.55, no.1 pp: 27-58.

Veale,C.,Gold, J(1998)"Smashing into the glass ceiling for women managers",*Journal of Management*. Vol. 17, no.1, pp:17-26.

Weyer,B(2007)"Twenty years later; Explaining the persistence of the Glass Ceiling for Women Leaders", *Women in Management Review*. Vol. 22,no.6, pp: 482-496

Wirth,L(2002)"Breaking through the glass ceiling: women in management?",*Geneva,ILO*.